

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

پاسخ آقای مهندس بازرگان

به

اظهارات آیت ا... خزعلی

پیرامون

علل رد صلاحیت ایشان

نهضت آزادی ایران

بیست و سوم مرداد ۶۴

لطفاً تکثیر و توزیع نمایند

پاسخ آقای مهندس بازرگان به اظهارات آیت... خزعلی پیرامون رد صلاحیت ایشان

بسمه تعالی

شورای محترم سردبیری روزنامه کیهان

در شماره مورخ ۲۲ مرداد اخیر آن روزنامه، در صفحات ۱ و ۲ شرحی از طرف آیت الله خزعلی عضو شورای نگهبان در ارتباط و با ذکر نام اینجانب درج شده بود که حاوی اهانت و مطالب خلاف حقیقت بود. اخلاق، انصاف و قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران به بنده حق میدهد از آن شوری درخواست نمایم توضیحات و پاسخ ذیل را در اولین شماره روزنامه کیهان برای دفاع مشروع شخصی و برای آگاهی مردم و روشن شدن حقایق چاپ نمائید.

جای بسی تأسف است که آقای خزعلی در مقام سخنگویی شورای نگهبان و در رد صلاحیت بنده برای ریاست جمهوری، بجای آنکه جواب منطقی و معقول منطقی بنامه محترمانه و مستدل مورخ ۶۴/۵/۱۷ نهضت آزادی ایران بدهند یا همانطور که پیشنهاد شده بود در مناظره تلو یزیونی ادای دلیل و برهان و جدال احسن در محضر و منظر عام بنمایند، از برگزاری مجلس ترحیم آیت الله ثقفی در شهر قم سوء استفاده کرده بجوسازی پرداخته اند و با قلب و تحریف واقعیات یک سلسله حملات مفرضانه و اتهامات بی اساس در باره من بیان داشته اند.

در میان مطالب خارج از موضوع و خلاف حقیقت ایشان بذکر چند مورد ذیل اکتفا

مینمایم:

۱) در رابطه با گروه منافقین یا مجاهدین خلق، پس از بیان مقداری خاطرات و جنایات که ارتباط با مسئله ریاست جمهوری و نهضت آزادی و شخص بنده ندارد، ادعا کرده‌اند که بنده گفته‌ام به «محمود رجوی» رأی بدهید. این ادعا کذب محض و تحریف حقیقت بوده تطبیق با اطلاعاتی‌ای که در این زمینه در سال ۵۹ م. قارن با دور دوم انتخابات تهران داده بودم و خوشبختانه در روزنامه کیهان منتشر شده است، نمی‌نماید. همچنین خطاب «فرزندان من» که آنرا همدلی و همگامی بنده با منافقین گرفته ذنب لایق‌شمرده و کافی برای سلب صلاحیت ریاست جمهوری دانسته‌اند، استنباطی غلط و بدون تردید برخلاف دستور اسلامی ضَعِ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَيَّ أَحْسَنِيه می‌باشد. البته بنده در آغاز درگیریهای خشونت‌انگیز جوانان پرشور، در یک مقاله روزنامه میزان مورخ ۱۳۶۰/۳/۱۲ برای هر دو دسته مجاهدین و مکتبی‌ها عنوان «فرزندان من» را بکار برده بودم ولی نه آنکه ابراز ارادت به آنها و تأیید افکار و اعمالشان را نموده باشم. بلکه صریحاً نوشته بودم شما فرزندان ناخلفی هستید که با ستیزه‌جوییهای نابردارانه، هم خودتان را بیچاره و هلاک میکنید و هم پدر مملکت و والدینتان را درمی‌آورید! بعلاوه مگر پدر (ننی یا روحانی و تعلیماتی) کسی بودن و او را در مقام ملامت و دلالت فرزندى خواندن سند مشارکت و مسولیت در جرم میشود؟ یک فقیه خطیب دینی آیا باید استدلال و اظهاراتش چنین دور از منطق و تقوی باشد؟!

۲) با صراحت و بی‌پروائی فرموده‌اند «آقای بازرگان مگر شما نبودید گفتید هویدا را بفرانسه تحویل میدهید، کسی که ۱۳ سال خون این ملت را شیشه کرد؟».

خوب است آقای خزعلی توضیح دهند که کی و کجا و بموجب کدام مدرک من چنین چیزی را گفته یا نوشته‌ام. در غیر اینصورت اعلام جرم علیه ایشان خواهم کرد.

۳) «مجلس باید بسته شود»، از دیگر فرمایشات معظم له که کذب است.

حیف نیست که شخص معمری در کسوت روحانیت، با سوابقی طولانی در حوزه علمیه و با عنوان فقیه شورای نگهبان که کارش مطابقت و محافظت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، چنین سخن بی پایه بزبان آورد؟!

بلی، من در اختلافات شدید مابین اولین رئیس جمهور و اولین مجلس شورای اسلامی در مقاله‌ای نوشته بودم که وقتی میان دو مقام رسمی مملکت که هر دو قانونی و منتخب مردم هستند تضاد پیش آید برای حکمیت فیما بین و حل مشکل کشور چاره‌ای جز مراجعه بخود ملت و آراء عمومی وجود ندارد. آیا این حرف خلاف حق و منطق و مصلحت است و ضدیت با نظام جمهوری و بمنزله بستن مجلس شورای اسلامی باید تلقی شود؟

۴) «در باره ولایت فقیه گفتید من مجلس خبرگان را منحل میکنم».

خیلی فرق است مابین آنچه بنده گفته یا کرده باشم و آنچه ایشان گفته‌اند.

در سال ۱۳۵۸ که مدت قانونی مصوب و مجاز مجلس خبرگان بسرآمده بود این مسئله بنا به پیشنهاد عده‌ای در هیئت وزیران، که آقایان شورای انقلاب نیز در آن مشارکت داشتند، مطرح

گردید و سپس با اکثریت سنگین آراء و بشرط مراجعه و تأیید امام تصویب شد که آن مجلس خاتمه یابد. ولی ایشان تصویب نفرمودند و با اختیارات خود دوره اش را تمدید کردند.

حال نمیدانم چطور آقای خزعلی یک عمل عینی قانونی و مشروط به تصویب امام و یک نیت به اجرا درنیاورده را گناه شرعی و عرفی بحساب آورده اند؟

(۵) تأیید کلام آقای نزیه مدیرعامل شرکت نفت که «گفته بود پیاده کردن احکام اسلام نه مفید است و نه ممکن».

باز هم یکی دیگر از اتهامات نسنجیده جناب آقای خزعلی! کجا و کی و برطبق کدام مدرک، بنده چنین گفته آقای نزیه در کانون و کلا را تأیید کرده ام؟ سی سال کتابها، سخنرانیها و تعلیمات بنده (از جمله کتاب بعثت و ایدئولوژی) و همچنین تأسیس نهضت آزادی ایران بر پایه عقاید اسلامی و بعنوان فریضه دینی، آیا کذب اظهارات ایشان را ثابت نمیکند؟

(۶) خلاصه بیان ایشان دائر به استعفای دولت موقت، پذیرفته شدن آن در اثر تسخیر لانه جاسوسی و جوش زدن بنده برای امریکا.

آیا بهتر نبود کسانی که اطلاع درست از قضایا ندارند یا مقید به صحت و دقت در کلام نیستند اظهار نظر نکنند؟

همانطور که در نشریه «دولت موقت و شورای انقلاب» آمده است قصد استعفای دولت موقت پانزده روز قبل از واقعه سفارت امریکا بوده است. دلیل آن نیز کارشکنیها و ممانعتیها بوده است که علیه وزراء و متصدیان امور صورت میگرفته است. ما این وضع ناهنجار را بشورای انقلاب گزارش و مهلت داده بودیم که چنانچه احساس خطر و بروز فاجعه برای انقلاب و نظام مینمایند با ادغام و وحدت دولت و شورای انقلاب، از هرج و مرج مملکت و دخالت مراکز تصمیم گیری مضرق، جلوگیری نمایند و چون این منظور علیرغم تأیید شورای انقلاب دچار تطل و تأخیر شد، استعفای کتبی دولت با ذکر علل و جهات آن برای مقام رهبری ارسال گردید. معظم له با تقدیر از زحمات و خدمات گذشته دولت موقت و اینجانب استعفا را پذیرفتند. این جریان که تصادفاً مصادف با اشغال سفارت امریکا شد از هیچ طرف کوچکترین رابطه با مسئله گروگانگیری و جوسازیهای پیش ساخته آن نداشت. هیچگاه هم ما، که عمری در مبارزه با استبداد داخلی و استیلاهای خارجی استخوان خرد کرده و بموض فحش و شمار، راههای معقول و مشروع مثبت و مؤثر را در پیش گرفته ایم و از توهین نهراسیده ایم، برای امریکا یا دولت بیگانه دیگری «جوش نزده ایم». جناب خزعلی که قاعده معتقد به قرآن و متعهد به تقوی هستد باید از چنین افترای عظیم توبه نمایند.

(۷) «راه پیمائی روز قدس که رادیوی اسرائیل آنرا ۲ میلیون نفر اعلام کرد اما آقای بازارگان گفت ۵۰۰ هزار نفر شرکت کردند».

این اتهام داستان «حسن و حسین هر سه دختران معاویه بودند» را تداعی مینماید و حقا

نباید در یک محفل مقدس تذکر و توسل بدرگاه خدا اعلام شده باشد. واقعیت این است که یک هفته قبل از روز قدس، نهضت آزادی در اعلامیه ای از پیشنهاد نظرخواهی از مردم برای ادامه جنگ استقبال نموده و نوشته بوه بفرض که در راه پیمانی مورد نظر صدها هزار نفر و حتی یک میلیون نفر جمع شوند دلیل علمی و قاطع بر تأیید و تصویب جنگ نمیشود، کما آنکه از طرف دیگر خیل ماشینها و سیل خانواده‌هایی که شبهای ماه مبارک رمضان بمنظور فرار از خطرات بمباران‌های دشمن شهر را ترک میکنند ولو تعدادشان به حدود یک میلیون تخمین زده شود نمیتواند از نظر منطق آماری مبنائی برای مخالفت با جنگ محسوب گردد. بلکه بهتر است یک روز را هم به مخالفین اجازه و اختصاص دهند تا دو اجتماع را مقایسه کنند یا اصلاً بصورت آزاد و مخفی مراجعه به آراء عمومی شود.

پس چنین نبوده است که رادیو اسرائیل گفته باشد ۲ میلیون و بنده ۵۰۰ هزار نفر.
(۸) «ما شما را معتقد بمبنائی جمهوری اسلامی نیافتیم و شما مخالف ولایت فقیه هستید».

در تمام فرمایشات ایشان و پراکنده گوئیها این یکی تنها نکته ای است که تا حدودی میتواند ارتباط با قانون اساسی و با شرایط صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری داشته باشد. ولی استنادی است که اولاً انطباق با بنده پیدا نمیکند چون در پایان پرسشنامه چاپی وزارت کشور برای نام نویسی ریاست جمهوری اعلام داشته بودم که معتقد به اسلام، بقانون اساسی، و بولایت فقیه، برطبق مصدحات قانون اساسی هشتم ثانیاً خود شورای محترم نگهبان شرط اعتقاد و الزام عملی بولایت فقیه را که در قانون انتخابات ریاست جمهوری تصویب شده بود زائد و خلاف قانون اساسی دانسته حذف کرده‌اند. حالا معلوم نیست چطور آقای خزعلی همانرا دلیل رد صلاحیت بنده گرفته‌اند.

(۹) «این آقایان قبل از انقلاب میگفتند مگر میشود با امریکا جنگید و اکنون از اینکه بگویند مرگ بر امریکا میترسند و توان آنرا ندارند».

پایه گذاران نهضت آزادی و اینجانب سالهاست قبل از انقلاب اسلامی و دهها سال پیش از آنکه آقای خزعلی وارد میدان سیاست شوند و شعار بدهند گام در میدان مبارزه علیه استبداد داخلی و استیلای انگلیس و امریکا گذارده نه تنها نترسیده بودیم بلکه میکوشیدیم کسانی را که بدلیل ترس یا جهل حاضر نبودند بشارکت در این مبارزه تشویق کنیم. ولی ما تنها راه مبارزه را شعار دادن نمیدانیم و معتقد بودیم و هستیم که با اتخاذ راههایی معقول و منطقی میتوان دست دشمن را از دخالت در کشورمان کوتاه کرد. از آقای خزعلی میپرسیم آیا اگر صد برابر آنچه تاکنون علیه امریکا شعار داده‌اند شعار بدهند ولی با تصویب یا سکوت در برابر قراردادهای ننگ آوری همچون بیانیه الجزائر سرمایه‌های ارزی کشور را در اختیار امریکا بگذارند آیا با امریکا خدمت نموده‌اند یا خیانت؟ بنظر من استکبار جهانی بمراتب راضی تر است کسانی در گفتار

مرگ او را بخواهند و در کردار با صرف منابع زیرزمینی کشور و خرید اسلحه کمبود ارزی امریکا و اذناش را جبران و کشور ایران را بیش از پیش وابسته بخارج سازند.

۱۰) «ملت عزیز ما خیلی سنگین و با وقار با شما رفتار دارند اما شما لجاجت بخرج ندهید چون میترسم آینده تیره‌تری داشته باشید».

قسمت اول سخنان آقای خزعلی کاملاً صحیح است. ملت عزیز و حقشناس ایران همیشه با ما بسیار سنگین و با وقار رفتار کرده است. زیرا در این مدت چیزی جز صداقت و خدمت و حسن نیت، همراه با عشق و فداکاری ندیده‌اند و بهمین دلیل علیرغم تبلیغات گسترده و ناجوانمردانه‌ای که در رسانه‌های عمومی دولتی و منابر و مجالس علیه ما جریان داشته و دارد همواره محبت و اطمینان خود را ظاهر ساخته‌اند. شاید همین امر موجب آن بوده است که شخص آقای خزعلی از قبول صلاحیت کاندیدای نهضت آزادی هراسان باشد. ما بفضل خدا و بشعور و تشخیص اکثریت ملت ایران اطمینان داریم، عزت و ذلت را از طرف خدا و در گرو اعمال خویش میدانیم و با اعتقاد به «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» امیدواریم که در راه انجام وظیفه امر بمعروف و نهی از منکر و دعوت بخیر و خدمت باز نایستیم و بدلیل تهدیدها و اربابهایی که تا بحال چندین بار و تا حدودی باجرا درآمده است، از مطالبه حق و حقیقت و از ارائه نظریات و مطالب خود بهموظفانمان خودداری ننمائیم.

۱۱) آقای خزعلی گفته‌اند:

«شما گله دارید که چطور شد شما را حذف کردند و اگر قبول میشدید درب شورای نگهبان را می‌بستید و اگر اعضاء شورا هم موافقت میکردند اولین کسی که استعفا میداد بنده بودم».

من گله‌ای ندارم که چرا ایشان در باره رد صلاحیت و حذف من اصرار و لجاجت ورزیده‌اند اعتراض و انتقاد ما این است که چگونه شورای نگهبان قانون اساسی اصول ششم و پنجاه و ششم این قانون را زیر پا نهاده و با تأیید انحصاری نامزدهای حزب حاکم، حاکمیت را «در خدمت منافع گروهی خاص» قرارداد و اداره امور را از «اتکاء بآراء عمومی» محروم نموده است.

آیا اگر شورای نگهبان وظیفه اصلی حفاظت از قانون اساسی را فراموش کند خود به بی اعتبار شدن و تعطیل شوری کمک نکرده است؟

۱۲) آقای خزعلی که با تحمیل و تهدید خواسته‌اند از مردم سلب آزادی و اختیار نموده حقوقی را که قانون به آنها داده است نادیده بگیرند، در لباس و لسان دین، گفته‌اند «قدم زدن برای رأی دادن بهمان اندازه ثواب دارد که بین صفا و مروه قدم زده میشود و همه موظفیم پبای صندوقهای رأی برویم زیرا شرکت در این انتخابات عظمت اسلام و مسلمین... است». ایشان با چنین اظهارات و قرار دادن دیانت در استخدام سیاست، مقام و موقعیت حاکمیت و نظام

جمهوری اسلامی را در انتظار مردم و دنیا بالا نمیبرند بلکه حج بیت الله و اسلام و اخلاص مردم را پائین می آورند. شورای نگهبان و روحانیت ایران را نیز از احترام می اندازند. مردم ایران در عین آنکه اکثریتشان معتقد و علاقمند به اسلام و خواهان اسلام بودند (و در اثر عملکرد دولتمردان و سیمای زشتی که با اسلام داده اند عده کثیری برگشته اند) انقلابشان باعتبار اعلامیه ها، شعارها و راه پیمائیهای پیش از پیروزی، بر ضد استبداد و برای رسیدن به اهداف سه گانه آزادی- استقلال- جمهوری اسلامی بود. که بعضاً در عمل به محاق فراموشی سپرده شده است.



در خاتمه، چه خوب بود آقای خزعلی بجای تکرار اتهامات و تهدیدهایی که پیش از شش سال است علیه دولت موقت، نهضت آزادی و شخص اینجانب جریان دارد، به اعتراضها و بمطالبی که در نامه نهضت بشورای نگهبان آمده است پاسخ منطقی میدادند یا لاقول آن مطالب را در سخنان خود برای مردم و مطبوعات بازگو میکردند تا سیه روی شود هر که در او غش باشد. اگر چنین میکردند مسلماً عملشان بتقوی و عدالت نزدیکتر بود.

صفحات تاریخ از زور آزمائی زورمندان و از مقاومت و مظلومیت ستمکشان آکنده است. ولی آنچه امیدواری میدهد سنت الهی بر ناپایداری زور و استخلاف مستضعفان و بر تحقق وعده قرآنی حسن عاقبت تقوی پیشگان و نیکوکاران بنا شده است.

دعا و آرزوی نهضت آزادی و اینجانب آن است که ما و آقای خزعلی در هر مقام و موقعیت که باشیم وعده نوید بخش خدا را فراموش نکنیم.

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین

تهران ۲۳ مرداد ۶۴

مهدی بازرگان

رونوشت: دفتر امام

رونوشت: دفتر آیت ا... العظمی منتظری

رونوشت: اعضاء محترم شورای نگهبان قانون اساسی